

بازرگانی در روزگار استکانیان

خسرو کیان‌راد



شرکت چاپ و نشر بازرگانی

به نام خداوند بخشنده مهربان



شرکت چاپ و نشر بازرگانی

وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

سرشناسه:	کیان راد، خسرو، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور:	بازرگانی در روزگار اشکانیان / خسرو کیان راد.
مشخصات نشر:	تهران: آباد بوم، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۴۰۶ ص.: مصور.
فروست:	انتشارات آباد بوم؛ ۱۵.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۰۱-۴-۵
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۳۳۵] - ۳۴۹.
یادداشت:	نمایه.
موضوع:	ایران -- بازرگانی -- تاریخ -- ۲۴۹ ق.م. - ۲۲۶ م.
موضوع:	ایران -- تاریخ -- اشکانیان، ۲۴۹ ق.م. - ۲۲۶ م.
رده بندی کنگره:	۲۱۳۹۴ ب۹ک/۲/ HF۳۷۷۰
رده بندی دیویی:	۳۸۰/۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۴۱۳۹۸۹۶

بازرگانی در روزگار اشکانیان

مؤلف:
خسرو کیان راد



شرکت چاپ و نشر بازرگانی

وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

تهران ۱۳۹۶



شرکت چاپ و نشر بازرگانی

وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

بازرگانی در روزگار اشکانیان

مؤلف: خسرو کیان‌راد

صفحه‌آرایی: انتشارات آدابوم

طراحی جلد: پاشا دارایی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۰۱-۴-۵

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر بازرگانی

« کلیه حقوق محفوظ و مخصوص شرکت چاپ و نشر بازرگانی است. »

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بلوار کشاورز، نبش کوچه
همدان، شماره ۱۲۰۶ | تلفن: ۶۶۹۳۹۳۲۹-۲۱

WWW.CPPC.ir



انتشارات آدابوم

با همکاری





پیشکش به بازار گانانِ ایرانشهر
که همواره سوداگرانِ صلح بوده‌اند



فهرست مطالب

پیش‌سخن	۱۱
وارسی منابع	۱۵
داده‌های باستان‌شناسی	۱۶
منابع نوشتاری	۱۹
پژوهش‌های جدید	۳۱
فصل نخست: اقتصاد هلنیستی و تحول شهرنشینی پساخامنه‌شی	۳۵
عناصر جدید هلنیستی در شهرهای ایران	۳۶
وضعیت شهرنشینی در دوره‌ی اشکانی	۳۸
برآمد	۴۶
یادداشت‌های فصل نخست	۴۸
فصل دوم: مراکز اقتصادی و شهرهای کاروانی	۵۳
مراکز اقتصادی	۵۴
شهرهای کاروانی	۶۳
برآمد	۸۷
یادداشت‌های فصل دوم	۸۸
فصل سوم: بازرگانی زمینی	۱۰۱
شاهراه‌های تجاری	۱۰۲
جاده‌ی ابریشم	۱۰۲
گزارش ایزیدور خاراکیسی	۱۰۶
گزارش استرابو و پلینی	۱۰۸
دادوستد داخلی	۱۱۰
بازرگانی فرامرزی	۱۱۱

۱۱۲.....	مناسبات بازرگانی با سرزمین های باختری
۱۱۵.....	جاده ی خاوری و رویای ابریشم
۱۲۱.....	کالاهای بازرگانی
۱۲۱.....	فرآورده های درون مرزی
۱۲۱.....	جانوران
۱۲۵.....	فرآورده های دامی
۱۲۷.....	فرآورده های کشاورزی
۱۲۹.....	گل ها
۱۳۰.....	درختان، گیاهان و سبزی ها
۱۳۳.....	دانه های رنگی و روغنی
۱۳۴.....	میوه ها
۱۳۸.....	خشکبار
۱۴۰.....	نوشیدنی ها
۱۴۲.....	مواد خوشبو
۱۴۳.....	دست سازه ها
۱۴۶.....	پارچه و پوشاک
۱۵۰.....	سنگ های گرانها
۱۵۵.....	مواد کانی
۱۵۹.....	بندک (برده)
۱۶۱.....	کالاهای برون مرزی
۱۶۱.....	صادرات
۱۶۴.....	واردات
۱۷۰.....	برآمد
۱۷۲.....	یادداشت های فصل سوم
۱۹۷.....	فصل چهارم: بازرگانی دریایی
۱۹۸.....	مسیرهای دریایی
۲۰۱.....	کانون های بازرگانی دریای پارس
۲۲۲.....	کانون های بازرگانی دریای سرخ و اقیانوس هند
۲۳۴.....	کانون های بازرگانی دریای مدیترانه
۲۳۷.....	کانون های بازرگانی دریای کاسپی و دریای سیاه
۲۴۱.....	برآمد

۲۴۲	یادداشت‌های فصل چهارم
۲۵۵	فصل پنجم: جایگاه بازرگانان در جامعه‌ی ایران عصر اشکانی
۲۵۵	بازرگانان و دسته‌بندی‌های اجتماعی
۲۵۸	نقش گروه‌های قومی و مذهبی در فعالیت‌های بازرگانی
۲۶۶	ایزدان و باورهای مرتبط با بازرگانی
۲۷۰	برآمد
۲۷۲	یادداشت‌های فصل پنجم
۲۷۷	فصل ششم: رابطه‌ی حکومت و مبادلات بازرگانی
۲۷۷	سیاست‌های پولی و درم‌سراها
۲۸۱	عوارض گمرکی و امنیت راه‌ها
۲۸۵	انواع وام‌ها و قوانین خرید و فروش
۲۸۷	سیاست‌های بازرگانی و رابطه با حکومت‌های محلی
۲۹۱	تأثیر بازرگانی بر سیاست خارجی اشکانیان و رومیان
۲۹۴	برآمد
۲۹۶	یادداشت‌های فصل ششم
۳۰۱	سخن پایانی
۳۰۵	یادداشت‌های سخن پایانی
۳۰۷	پیوست‌ها
۳۰۹	فهرستی از اصطلاحات مرتبط با اقتصاد و بازرگانی در دوره‌ی اشکانی
۳۱۱	فهرستی از مهمترین کالاهای وارداتی و صادراتی در عصر اشکانی
۳۱۳	تصاویر
۳۳۷	کتابنامه
۳۳۹	منابع فارسی
۳۴۹	منابع خارجی
۳۵۵	نمایه‌ها
۳۵۷	نمایه‌ی اسامی مکان‌ها
۳۷۹	نمایه‌ی اسامی اشخاص
۳۹۰	نمایه‌ی اسامی کتاب‌ها
۳۹۶	نمایه‌ی اسامی اقوام، اصطلاحات و عبارات

به بازارگانی از ایران به تور
بیمودم این راه دشوار دور
فردوسی توسی

پیش سخن

برگ‌های تاریخ جهان در دوره‌ی باستان، همسان دیگر دوره‌ها پر از کشمکش‌ها و درگیری‌های گاه خونبار و ویرانگر میان قدرت‌های آن زمان است. روزگاری آشوریان به سرزمین عیلام و ماد می‌تاختند، زمانی دولت‌شهرهای یونانی با هخامنشیان در نبرد بودند و پس از آن نوبت به جانشینان اسکندر مقدونی و همچنین امپراتوری نوظهور روم رسید که با اشکانیان بستیزند. پیکاری که تا اواخر دوره‌ی باستان، ساسانیان و بیزانسی‌ها آن را رها نکردند و پس از آن نیز تنها با نام‌ها و بهانه‌هایی دیگر ادامه یافت.

این موضوع باعث شده تا هرگاه نامی از هخامنشیان و یونانیان یا اشکانیان، ساسانیان و رومیان برده می‌شود تنها تصویری از نبردهای پی‌درپی و دشمنی‌های همیشگی در ذهن‌ها نقش ببندد. بی‌گمان این یک ویژگی برجسته برای گذشته‌ی هر سرزمین از سینه‌دم تاریخ آن است. اما در کنار این دشمنی‌ها همواره روابط دوستانه‌ای نیز میان گروه‌های انسانی ساکن در هر کشور وجود داشته که ورای سیاست‌های هر عصر راه خود را می‌پیموده است. مهاجرت‌ها و رفت‌وآمدها به هر انگیزه‌ای که بود باعث آشنایی انسان‌های یک سرزمین با اقوام و ملت‌های دارای فرهنگ‌های متفاوت می‌شد. بازرگانان یکی از این دسته افراد بودند که شاید به دلیل نوع پیشه‌ای که داشتند بیش از دیگر قشرها از برقراری صلح و آرامش میان حکومت‌ها استقبال می‌کردند؛ زیرا تنها در این صورت بود که آن‌ها می‌توانستند به آسانی و در امنیت سفر کنند و به خرید و فروش کالاهای خود پردازند و بدین ترتیب برقراری صلح برابر بود با رونق مناسبات تجاری میان سرزمین‌ها. مسئله‌ای که نه تنها بازرگانان بلکه حکومت‌ها، شهرها و مراکز تجاری نیز می‌توانستند از آن سود ببرند. بدین روی تلاش شد تا در پژوهشی مستقل، وضعیت بازرگانی ایران و مسائل در پیوند با

آن در عصر یکی از دیرپای‌ترین دودمان‌های پادشاهی این سرزمین، یعنی اشکانیان مورد بررسی قرار گیرد. پرداختن به تاریخ ایران در دوران باستان به دلیل ناچیز بودن منابع که از فاصله‌ی زمانی بسیار زیاد و کم‌شمار بودن کاوش‌های باستان‌شناسی ناشی می‌شود، بسیار دشوار است. حال اگر پژوهشی بخواهد به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن دوره بپردازد، آشکار است که دشواری‌ها دوجندان نیز می‌گردد. بدین دلیل است که در خصوص موضوع حاضر پژوهشگر ناچار است هر اشاره‌ی متون و یا کم‌ترین داده‌های باستان‌شناسی را به کار گیرد. برای نمونه در مورد کالاهای بازرگانی آن روزگار، یافتن اندک اشاره‌ای در متون یا آثار باستانی که تنها وجود فرآورده‌ی مذکور در قلمرو اشکانیان را تأیید می‌کند، خود شادمانی بی‌پایانی را برای پژوهشگر به همراه دارد.

سیاست تساهل و تسامح پادشاهان اشکانی درون مرزهای قلمروشان تحسین برانگیز است. پیروان ادیان و فرقه‌های مذهبی مختلف، مراسم و آداب و رسوم خود را آزادانه به جا می‌آوردند و دینی رسمی وجود ندارد. از سوی دیگر بسیاری از نواحی مختلف و شهرهای بزرگ به گونه‌ای مستقل اداره می‌شوند و حتی در برخی موارد با دیگر سرزمین‌ها مناسبات مستقیم برقرار می‌کنند. جالب است که بسیاری از اقوام گوناگون و پیروان مذاهب مختلف ساکن در قلمرو اشکانی، همچون یهودیان، بوداییان، مسیحیان، سکاها، یونانیان، قبایل عرب، ارمنی‌ها و قبایل دیگر همان بازرگانانی هستند که چه در عرصه‌ی بازرگانی درونی و چه مناسبات تجاری فرامرزی با دیگر سرزمین‌ها فعالیت می‌کنند. همچنین بسیاری از حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل محلی همچون الیمایی، میسن، دورا اورپوس، هاترا، آربلا، اِدِسا، پالمیرا، اُمانا و غیره کانون‌های مهم تجاری و یا شهرهای کاروانی هستند که در چرخه‌ی اقتصادی و مناسبات بازرگانی اشکانیان نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند.

با مطالعه‌ی منابع موجود، که در ادامه به معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت، ابهامات و پرسش‌های فراوانی برای پژوهشگر مطرح می‌شود. با این وجود تلاش می‌شود تا در پژوهش حاضر تصویری از وضعیت بازرگانی ایران در عصر اشکانی و چگونگی عملکرد آن در حوزه‌ی درونی و بیرونی و همچنین نقش اشکانیان و تجار ایرانی در بازرگانی بین‌المللی آن عصر میان خاور و باختر ارائه گردد. مشخص کردن کالاها و تولیدات عمده‌ی تجاری در عرصه‌ی واردات و صادرات، همچنین کالاها و فرآورده‌هایی که در درون مرزهای قلمرو اشکانی دادوستد می‌شد و ویژگی‌های اقتصادی و بازرگانی شهرهای کاروانی و شاهراه‌های تجاری از دیگر دغدغه‌ها به شمار می‌رود.

افزون بر این، روند تحول اقتصاد ایران و وضعیت شهرها و بازارها، از زمان ورود یونانیان

به ایران تا آغاز عصر ساسانی و توجه به این مسئله که بازرگانی عصر اشکانی چه بخش یا درصدی از اقتصاد آن دوره را تشکیل می‌داده از دیگر مسائلی است که این پژوهش در پی پرداختن به آن است.

بر اساس شواهد موجود به نظر می‌رسد رونق بازرگانی اشکانیان از دوره‌ی پادشاهی مهرداد دوم (۱۲۴-۸۹ پ.م) به بعد، بنا به دلایلی همچون تحول و رشد شهرنشینی ایران، تحت تأثیر ایجاد شهرهای هلنی و همچنین قرار گرفتن قلمرو اشکانی بر سر شاهراه تجارت خاور و باختر آغاز شده و این روند تا اواخر سده‌ی دوم میلادی ادامه داشته است. اما از این زمان تا اوایل سده‌ی سوم میلادی که مصادف با پایان یافتن عمر دودمان دیرپای اشکانی است شاهد افول اقتصادی و بازرگانی قلمرو اشکانیان هستیم. در واقع این پرسش که تحول صورت گرفته در بازرگانی و اقتصاد این دوره به واسطه‌ی چه عواملی روی داده و جامعه‌ی ایرانی را به چه سمتی برده یا چه آثاری در عرصه‌های مختلف برجای گذاشته، موضوع بسیار مهمی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

از آن‌جا که تاکنون پژوهش جداگانه‌ای با موضوع حاضر، دست کم به زبان فارس، صورت نگرفته و ما هیچ گونه توصیف مفصلی از وضعیت بازرگانی دوره‌ی اشکانیان در دست نداریم، بیشتر بخش‌های پژوهش حاضر بدون هیچ گونه ادعا در خصوص داشتن نگاهی تحلیلی و تعلیلی یا چارچوب نظری خاص، تنها به توصیف شرایط موجود در خصوص بازرگانی عصر اشکانی و مسایل مرتبط با آن می‌پردازند. اما با این وجود در برخی مباحث همچون بررسی وضعیت شهرنشینی آن دوره و پیوند آن با بازرگانی، پرسش‌ها و فرضیه‌هایی نیز مطرح می‌گردد.

بی‌گمان بررسی صورت گرفته از وضعیت بازرگانی روزگار اشکانیان در این پژوهش هیچ‌گاه کامل نیست و تنها درآمدی بر این موضوع به شمار می‌رود. پرسش‌های فراوانی که در طول این راه شکل گرفتند هریک می‌تواند سرآغاز مطالعات دیگری باشد. همچنین تک‌تک شهرهای کاروانی و کانون‌های بازرگانی به تنهایی می‌توانند موضوع پژوهشی جداگانه قرار گیرند.

نیک می‌دانم که چند واژه‌ی ناچیز نمی‌تواند حتی گوشه‌ای از زحمات کسانی که در تدوین پژوهش حاضر نقش داشته‌اند را جبران کند اما به رسم احترام برخود لازم می‌دانم تا دست کم نامی از این بزرگواران ببرم. بدین روی جا دارد تا از خانم سارا کیان‌راد که افزون بر در اختیار گذاشتن برخی منابع آلمانی، زحمات فراوانی برای نگارش این اثر کشیدند، صمیمانه سپاسگزاری کنم. همچنین به دکتر شیرین بیانی، دکتر روزبه زرین‌کوب و

دکتر فرج الله احمدی در دانشگاه تهران و دکتر عبدالرسول خیراندیش در دانشگاه شیراز به -
خاطر خواندن این اثر و نکات بسیار سودمندی که متذکر شدند، ادای احترام می کنم. از
آقای مجتبی تبریزیا، مدیر فرهیخته‌ی نشر آبادبوم نیز به دلیل همفکری‌های همیشگی و
پذیرش چاپ این اثر بسیار سپاسگزارم.

خسرو کیانراد

شیراز، پاییز ۱۳۹۴

وارسی منابع

منابع و مآخذ برجای مانده برای بررسی تاریخ ایران در دوره‌ی حکومت دیرپای اشکانیان به‌طور کلی نسبت به دوره‌های دیگری چون هخامنشیان و ساسانیان بسیار کم‌تر است. برای پرداختن به بخشی از تاریخ اقتصادی این دوره یعنی بازرگانی، این مسئله کم‌رنگ‌تر نیز می‌شود. همچنین گوناگونی و ناهمگنی از دیگر ویژگی‌های منابع موجود به‌شمار می‌رود؛ چنانکه منابع برجای مانده تمامی دوره‌ی اشکانیان را پوشش نمی‌دهد و از سوی دیگر سرتاسر قلمرو آنان را نیز دربر نمی‌گیرد و بدین ترتیب وضعیت همه‌ی نواحی شاهنشاهی اشکانی را روشن نمی‌سازد. وجود اسناد و شواهدی با زبان‌های مختلف یونانی، آرامی، بابلی و پهلوی اشکانی نمونه‌ی دیگری از این ناهمگنی است. اندک بودن منابع بومی و استفاده‌ی بیشتر از منابع غیراشکانی کار را تا حدودی دشوارتر می‌کند، به‌ویژه در آن‌جا که به منابع یونانی و رومی مربوط می‌شود می‌بایست با احتیاط و وسواس بیشتری با آن‌ها روبه‌رو شد، زیرا به هر حال درگیری‌ها و رقابت‌های رومیان و اشکانیان که در عرصه‌ی بازرگانی نیز وجود داشت، ممکن است در گزارش‌ها و اظهارنظرهای این دسته از تاریخ‌نگاران یا جغرافی‌نویسان نیز تأثیر گذاشته باشد.

هرچند می‌توان با ملاک‌های مختلفی چون بومی یا غیربومی بودن، دوری یا نزدیکی نسبت به زمان موردنظر و یا حتی موضوع، نگاه‌نویسندگان، تاریخ‌نگاران یا غیرتاریخ‌نگاران بودن منابع موجود، آن‌ها را دسته‌بندی کرد، اما در این‌جا براساس جنس منابع، این تقسیم‌بندی صورت گرفته است. بدین روی در نگاهی کلی منابع این دوره به دو گروه قابل تقسیم‌اند:

۱- داده‌های باستان‌شناسی

۲- منابع نوشتاری (متون)

بخشی نیز به مهم‌ترین پژوهش‌های جدید در ارتباط با موضوع حاضر اختصاص می‌یابد که می‌توان آن‌ها را جزو مآخذ به‌شمار آورد.

داده‌های باستان‌شناسی

با وجود اندک بودن این دسته از منابع اما ارزشمند بودن آن‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. درحالی که دیگر به منابع نوشتاری چیزی افزوده نمی‌شود اما داده‌های باستان‌شناسی در مورد عصر اشکانی می‌تواند، چنانکه تاکنون بوده، روزه‌روز بیشتر و بیشتر شود و یافته‌های جدید هرچه بیشتر به روشن کردن زوایای تاریخ این دوره یاری رسانند. از منابعی که در این گروه قرار می‌گیرند می‌توان به سنگ‌نوشته‌ها و سفال‌نوشته‌ها، چرم‌نوشته‌ها و پاپیروس‌ها، سکه‌ها و مهرها، سنگ‌نگاره‌ها و پیکره‌ها، بناهای گوناگون و سایر یافته‌های باستان‌شناسی همچون آثار و اشیاء مختلف اشاره کرد.

سفال‌نوشته‌های به‌دست آمده در ویرانه‌های شهر «مهردادکرت» (نسای کهن) که درباره‌ی بایگانی انبارهای می‌است، یکی از این منابع به‌شمار می‌رود. این بایگانی که در نزدیکی «عشق‌آباد» امروزی (پایتخت کشور ترکمنستان) به‌دست آمده شامل بیش از دو هزار سند به زبان آرامی، مربوط به سده‌ی یکم پیش از میلاد است و می‌تواند تا حدودی در ترسیم وضعیت اقتصادی بخشی از قلمرو اشکانیان به ما یاری رساند. بیش از چهارپنجم این سفال‌نوشته‌ها مربوط به متون مالی و به‌طور دقیق برای ثبت در انبارداری شاهی نسا است. افزون بر نسا، در پیرامون عشق‌آباد و همچنین «مرو» باستان نیز سفال‌نوشته‌های دیگری شامل نام دارندگان ظروف به‌دست آمده است. برخی از این نوشته‌ها سندهای دادوستد یا پیش‌نویس نامه هستند. این آثار به فاصله‌ی زمانی میان سده‌ی نخست پیش از میلاد و سده‌ی سوم و چهارم میلادی تعلق دارند. شمار کم‌تری از این گونه سفال‌نوشته‌ها نیز در «کومس» (قوس)، در نزدیکی دامغان امروزی) به‌دست آمده است. همچنین سفال‌نوشته‌های دیگری مربوط به سده‌ی سوم میلادی در شهر «دورااورپوس» یافت شد که بیشتر میزان غله‌ی فرستاده شده به پادگان ایرانی آن‌جا را نشان می‌دهد و یا شامل فهرستی از نام‌های اشخاص است.

سواى سفال‌نوشته‌ها، سالنامه‌های نجومی بابل که نگارش آن‌ها سستی کهن در مرکز میان‌رودان محسوب می‌شد، از دیگر منابعی است که بر روی گِل (به‌صورت الواح گلی) و به خط میخی بابلی نگاشته می‌شدند. این سالنامه‌ها که در واقع جداول نجومی بودند بیشتر برای ترتیب کروئولوژیک پادشاهان اشکانی می‌تواند سودمند باشد.

چرم‌نوشته‌های «اورامان» (در کردستان) با موضوع خریدوفروش تاکستان از دیگر منابع ما به‌شمار می‌روند. سه چرم‌نوشته‌ی موجود (دو چرم‌نوشته به زبان یونانی و یکی به پهلوی اشکانی) مربوط به سده‌ی نخست پیش از میلاد و سده‌ی نخست میلادی هستند و می‌توانند

آگاهی‌هایی در زمینه‌ی برخی قوانین و شرایط خرید و فروش عصر اشکانی، دست‌کم در مورد زمین‌هایی با محصول کشاورزی به ما بدهند. چند چرم‌نوشته و پاپيروس دیگر نیز به زبان پارسی و یونانی شامل قراردادها و اسناد تجاری در «دورا اورپوس» به دست آمده که برخی از این اسناد مربوط به سال‌های فرمانروایی اشکانیان بر این شهر است.

سنگ‌نوشته‌های این دوره نیز اغلب به سه زبان یونانی، آرامی و پارسی (پهلوی اشکانی) نگارش یافته‌اند. یکی از مهم‌ترین این سنگ‌نوشته‌ها به زبان پارسی در شوش و بر روی سنگ مزاری عمودی یافت شده که به فرمان اردوان چهارم (۲۱۳-۲۲۴ م.)، آخرین پادشاه اشکانی برای خواستگ، شهربان شوش نوشته شده و مربوط به سال ۲۱۵ میلادی است. از دیگر سنگ‌نوشته‌های پارسی، چند کتیبه‌ی کوچک و گاه آسیب دیده در خراسان جنوبی و پیرامون شهر بیرجند است که به کتیبه‌های «لاخ مزار» و «کال جنگال» مشهورند. این نوشته‌ها را از آن برخی شاهزادگان اشکانی و مربوط به نیمه‌ی نخست سده‌ی سوم میلادی می‌دانند. سنگ‌نوشته‌ای نیز به یونانی در کنار سنگ‌نگاره‌ی اشکانی بر صخره‌ی بیستون وجود دارد که آن را به گودرز دوم (۵۱-۴۶ م.) نسبت داده‌اند. از دیگر سنگ‌نوشته‌های عصر اشکانی می‌توان به سنگ‌نوشته‌های آرامی فراوانی در شهر «آشور» و «هترا» (الحضر) اشاره کرد. اسناد خط میخی بابلی نیز که ادامه‌ی سنت کهن این سرزمین بود، آگاهی‌هایی درباره‌ی فرمانروایی پارتیان و تاریخ شهرسازی پادشاهان اشکانی براساس مبدأ تاریخ سلوکی به ما می‌دهند. سنگ‌نوشته‌هایی نیز مربوط به پادشاهان الیمایی در کنار سنگ‌نگاره‌های آن‌ها در مناطقی از خوزستان چون «بردنشاند»، «شیمبار» (تنگ بتان) و «تنگ سروک» شاید مربوط به سده‌ی دوم میلادی، برجای مانده است.

اما یکی از مهم‌ترین نوشته‌های همراه با پیکره‌ها که می‌تواند آگاهی‌های ارزشمندی در خصوص تجارت و مناسبات موجود میان بازرگانان به ما دهد، پیکره‌ها و سنگ‌نگاره‌های کتیبه‌دار شهر «پالمیرا» است. این پیکره‌ها اغلب برای یادبود و یا به افتخار بزرگان و اشراف شهر یا همانا بازرگانان و کاروانسالاران بزرگ پالمیرا برپا شده‌اند. افزون بر این پیکره‌های نوشته‌دار، کتیبه‌های دیگری از پالمیری‌ها به دست آمده که از مناسبات بازرگانی تجار پالمیری با بازرگانان دیگر شهرهای قلمرو اشکانی (به‌ویژه شهرهای باختری) و دادوستد با آن‌ها و حتی داشتن مراکز تجاری در این شهرها خبر می‌دهند. این سنگ‌نوشته‌ها به «کتیبه‌های کاروانی» مشهورند. دیوارنگاره‌هایی نیز به زبان و خط پارسی در شهر «دورا اورپوس» وجود دارند. همچنین برخی پیکره‌های برجای مانده از دوره‌ی اشکانی نیز دارای کتیبه هستند. برای نمونه سنگ‌نگاره‌ای همراه با سنگ‌نوشته در «سرپل ذهاب»، در سر

راه کرمانشاه به بغداد، قرار دارد. همچنین تندیس برنزی از هرکول در عراق کشف شد که نوشته‌هایی به یونانی و پارسی دارد. این کتیبه به دستور بلاش چهارم (۱۹۱-۱۴۸ م.) و پس از پیروزی بر مهرداد نوشته شده است. از «اِدِسا» (الرها) و آبادی‌های پیرامون آن نیز برخی سنگ‌نوشته‌های کهن به زبان سریانی برجای مانده که گاه جزئیات مهمی درباره‌ی تاریخ اشکانیان به دست می‌دهند.

سنگ‌نوشته‌هایی به زبان یونانی نیز، چه در قلمرو اشکانیان، چه در قلمرو امپراتوری روم وجود دارند که می‌توانند در بررسی مناسبات بازرگانی، به‌ویژه کالاهای عمده‌ی تجاری در آن زمان و حضور بازرگانان در سرزمین‌های مختلف ما را یاری کنند. شماری از این سنگ‌نوشته‌ها در پالمیرا، بحرین، فیلکه، سلوکیه کنار دجله، شوش و مصر به دست آمده‌اند. برای نمونه سنگ‌نوشته‌ای معروف به «فهرست زنان» در مصر به برخی کالاهای بازرگانی که به این سرزمین وارد می‌شده، اشاره دارد.

همچنین سنگ‌نوشته‌های مربوط به دودمان کوشانی در مرزهای خاوری اشکانیان مانند کتیبه‌های «سرخ کتل» (به زبان خروشتی) می‌تواند به دلیل همزمانی با حکومت اشکانیان برای بررسی مناسبات اشکانیان با اقوام و حکومت‌های خاور و شمال خاوری، به‌ویژه در آسیای مرکزی دارای اهمیت باشد.

نگاره‌های سنگی برجای مانده از دوره‌ی اشکانی نیز از بسیاری جهات می‌توانند ارزشمند باشند. سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای خوزستان در «تنگ سَرَوَک»، «خونگ نوروژی»، «خونگ یارعلیوند»، «خونگ کمالوند»، «تنگ بتان» (شیمبار)، «بردبت» و «کوه تراز» می‌تواند در روشن کردن بسیاری از جنبه‌های حکومت الیمایی‌ها و حضور اشکانیان در جنوب باختری ایران پژوهشگران را یاری رساند. حتی به واسطه‌ی این سنگ‌نگاره‌ها می‌توان به جزئی‌ترین مسائل همچون شکل و نوع پوشاک، جواهرات و تزیینات بزرگان آن عصر پی برد.

این مسئله در مورد نگاره‌ها و سنگ‌کندهای برجای مانده از بزرگان و ثروتمندان پالمیری نیز درست است. این موضوع که بازرگانان با تجربه و کاروان‌سالاران پالمیری توانسته‌اند از خود چنین نگاره‌هایی برجای گذارند، بسیار حائز اهمیت است. از پادشاهان، شاهزادگان و بزرگان اشکانی نیز افزون بر بیستون و سرپل ذهاب، سنگ‌نگاره‌هایی در نزدیکی بیرجند، دورا و اورپوس، آشور، شوش و حتی در نزدیکی جاده‌ی امروزی «فیروزآباد» به «قیر» وجود دارد. همچنین دیوارنگاره‌ها، مانند آن‌چه در کوه خواجه‌ی سیستان به دست آمده نیز می‌تواند جزو این دسته از منابع قرار گیرد.

سکه‌های برجای مانده از دوره‌ی اشکانی جزو منابع ارزشمند دیگری هستند که می‌توانند در بررسی وضعیت اقتصادی، رونق و گستره‌ی بازرگانی این عصر ما را یاری رسانند. سکه‌های حکومتی که پادشاهان اشکانی ضرب می‌کردند در کنار سکه‌هایی که توسط فرمانروایان حکومت‌های نیمه‌مستقل در برخی ایالات مثل پارس و خوزستان (الیمایی، خاراسین) و همچنین شهرهای باختری قلمرو اشکانی همچون سلوکیه، الرها، پالمیرا و غیره ضرب می‌شد در این دسته از منابع قرار می‌گیرند. از نخستین و مهم‌ترین سکه‌های اشکانی، سکه‌های مربوط به دو پادشاه نخست این دودمان یعنی آرشک (اشک یکم) و تیرداد (اشک دوم) است که به تعداد فراوان در شمال ایران با نوشته‌هایی به زبان آرامی و یونانی به دست آمده است. افزون بر سکه‌ها، مهرهایی نیز به خط پارتی مربوط به اواخر دوره‌ی اشکانی و اوایل دوره‌ی ساسانی در دست است. همان‌گونه که فراوانی و پراکندگی سکه‌های اشکانی می‌تواند از رونق اقتصادی و گستره‌ی بازرگانی آن عصر خبر دهد، استفاده از فلزات کم‌ارزش‌تر و پایین آمدن عیار سکه‌های آن عصر نیز می‌تواند بر افول اقتصادی و تجاری شاهنشاهی اشکانی دلالت داشته باشد. همچنین مُهرها و گِل‌مُهرهایی برای نمونه در شهر «کومس» به دست آمده‌اند که می‌توانند آگاهی‌های خوبی در خصوص خرید و فروش و شرایط آن در بخشی از قلمرو اشکانی به دست دهند.

از دیگر داده‌های باستان‌شناسی می‌توان به ویرانه‌های شهرها، کاخ‌ها و بناها، ظروف فلزی و سفالی، ریتون‌هایی از عاج، همچنین اشیاء مختلف دیگری که در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده‌اند، اشاره کرد. نمونه‌ای از این بناهای اشکانی در شهرهای آشور، دورا اورپوس، کوه خواجه، اوروک، نسا، مرو، کومس و الحضر یافت شده‌اند. آثار فراوانی شامل دُرهای نظامی، سکونتگاه‌ها، سفال، سکه، پیکره، گورهای خمره‌ای و غیره از دوره‌ی اشکانی در بخش‌های مختلف قلمرو آن‌ها، به‌ویژه در کرانه‌های شمالی و جنوبی دریای پارس به دست آمده است که می‌تواند دلالت بر فعالیت دریانوردان و بازرگانان دوره‌ی اشکانی در عرصه‌ی بازرگانی دریایی آن روزگار داشته باشد.

منابع نوشتاری

شاید رواج سنت شفاهی در ایران عصر اشکانی باعث شده تا از این دودمان منابع نوشتاری قابل ملاحظه‌ای، به‌جز چند متن پهلوی نگارش یافته در دوره‌ی ساسانی که اصل آن‌ها را به دوره‌ی اشکانی نسبت می‌دهند، برجای نمانده باشد. بیشتر منابع نوشتاری موجود که می‌توان از آن‌ها بهره گرفت، کتاب‌ها، رساله‌ها، سفرنامه‌ها و به‌طور کلی متونی هستند که در سرزمین‌های دیگر نگارش یافته‌اند. زمان نگارش برخی از این منابع هم‌عصر با

اشکانیان و برخی نیز با فاصله هستند. بسیاری از این متون مربوط به سرزمین‌هایی می‌شوند که اشکانیان با آن‌ها مناسباتی در عرصه‌های گوناگون داشته‌اند. هرچند با توجه به اسامی نویسندگان برخی آثار، همچون ایزیدور خاراکسی، می‌توان به خاستگاه ایرانی آن‌ها پی برد، اما ملاک ما در دسته‌بندی منابع مکتوب در این بخش، زبان نوشتاری آن‌هاست. بر این اساس منابعی که در این دسته قرار می‌گیرند عبارتند از: منابع چینی، منابع یونانی و رومی، منابع ارمنی، منابع یهودی، منابع پهلوی، منابع سریانی، منابع فارسی و منابع عربی.

در سده‌ی دوم و نخست پیش از میلاد با حضور رسمی نمایندگان امپراتوری چین در مناطق باختری، ثبت منظم آگاهی‌های به‌دست آمده از این نواحی نیز آغاز گردید. از این-رو سالنامه‌های رسمی سلسله‌های باستانی تاریخ چین، همچون دودمان پیشین (نخستین) و پسین «هان» برای مطالعه‌ی موقعیت اقتصادی و سیاسی ایران عصر اشکانی و مناسبات موجود میان اشکانیان و امپراتوری چین بسیار ارزشمندند. اما با وجود اهمیتی که گزارش‌های چینی دارند برخی هنوز به گفته‌های آنان بی‌اعتمادند و همه‌ی مطالب ذکر شده در آن‌ها را درست نمی‌دانند. مهم‌ترین سالنامه‌های چینی مربوط به سلسله‌های امپراتوری این سرزمین هستند که هم‌عصر با اشکانیان نگاشته شده‌اند. نخستین تاریخ‌نگار چینی، سوماچین، سربایگان دربار امپراتور ووتی است که مهم‌ترین اثر وی شی‌جی (شی کی) یا یادنامه‌های تاریخی (سالنامه‌های تاریخی) مربوط به سده‌ی نخست پیش از میلاد به‌شمار می‌رود. این اثر که نگارش آن در سال ۹۸ پ.م به پایان رسیده است، در فصل ۱۲۳ مطالبی درباره‌ی هیأت نمایندگی چینی دارد که از مناطق «فرغانه»، «سغد» و «باکتریانا» (بلخ) دیدن کرده‌اند.

مطالب کتاب شی‌جی توسط پان کو و خواهرش پان چائو، که در سده‌ی نخست میلادی تاریخ‌نویس دودمان «هان» بودند، دنبال شد و این دو نفر، اثری با نام سالنامه‌های آغازین (نخستین) هان را نگاشتند. فصل ۹۶ این اثر به توصیف سرزمین پارت می‌پردازد.

هان شو، تاریخ‌نگار سده‌ی نخست میلادی از دیگر چینیانی است که در این زمان به ثبت رخدادها پرداخته است. وی نویسنده‌ی سالنامه‌ی تاریخی دودمان پسین «هان» است. این سالنامه هرچند در نیمه‌ی نخست سده‌ی پنجم میلادی نگارش یافته اما در فصل ۱۱۸ خود که سرزمین‌های باختری را مورد بررسی قرار می‌دهد به سفر کارگزار چینی به نام کان‌یینگ در سال ۹۷ میلادی به کرانه‌های خلیج فارس اشاره دارد. هان شو در کتاب خود همچنین توضیحاتی در مورد تجارت ابریشم چین آورده است.

دسته‌ی دیگر منابع، متون رومی هستند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد با وجود آگاهی‌های ارزشمندی که این دسته از منابع می‌دهند، اما باز هم نمی‌توان بدون احتیاط به

آن‌ها مراجعه کرد؛ چون به هر حال اشکانیان رقیب اصلی امپراتوری روم به‌شمار می‌رفتند و همین مسئله کافی بود تا رومیان بدون جهت‌گیری به نگارش آثار خود نپردازند. امروزه برخی از منابع این دسته، برجای نمانده‌اند و یا تنها بخشی از آن‌ها، آن هم به‌واسطه‌ی نوشته‌های دیگران به‌دست ما رسیده است. برای نمونه آپلودروس آرتمیئایی (۱۳۰-۸۷ پ.م)، تاریخ‌نگار و اسطوره‌شناس یونانی ساکن در قلمرو اشکانی (در خاور دجله)، تاریخی درباره‌ی پارتیان نوشته بود که امروزه تنها بخش‌هایی از آن شاید به‌واسطه‌ی استرابو و تروگ پومپه (البته در اثر ژوستن) به‌دست ما رسیده است. همچنین کتاب پارتیکا، اثر آریان نیکومدی (فلایوس آریانوس)، تاریخ‌نگار رومی سده‌ی دوم میلادی، سرنوشتی بهتر از آن نداشت. اثر مهم دیگری که بخش بیشتری از آن برجای مانده تاریخ فلیپی، اثر تروگ پومپه (تروگوس پومپئوس)، تاریخ‌نگار رومی سده‌ی نخست پیش از میلاد است که در کتاب فشرده‌ی ژوستن (یونیانوس یوستینیوس) حفظ شده است. اما از میان منابعی که به‌دست ما رسیده، آثار زیر براساس اهمیتی که برای موضوع مورد نظر ما دارند، ترتیب یافته‌اند:

یکی از کهن‌ترین سفرنامه‌های دریایی موجود مربوط به سده‌ی نخست میلادی متنی است با نام سفر در دریای اریتره (سرخ) از نویسنده‌ای ناشناس. این متن جزو منابع اصلی برای بررسی کانون‌های بازرگانی دریای سرخ و اقیانوس هند در عصر اشکانیان و همچنین کالاهای برجسته‌ی هر منطقه به‌شمار می‌رود. گزارش دقیق نویسنده به‌ویژه در مورد کالاها و مسیرهای آبی، این گمان را به‌وجود می‌آورد که شاید وی خود یکی از بازرگانان این مسیر دریایی بوده است. نویسنده در مسیر خود از مصر به سمت اقیانوس هند و دریای پارس، با گذشتن از دریای سرخ به بنادر تجاری و بازار-شهرهای پس کرانه‌ای دو سوی این دریا، به سرزمین هند و حتی برخی از کانون‌های تجاری دریای پارس اشاره دارد و ضمن ثبت مسافت‌های موجود میان این مراکز، به ذکر تولیدات و کالاهای وارداتی و صادراتی هر ناحیه نیز می‌پردازد. آگاهی از این مسیر دریایی در زمان مورد بحث و همچنین برجسته‌ترین کالاهای تجاری هر منطقه خود می‌تواند نکته بسیار مهمی در بررسی بازرگانی دریایی آن روزگار باشد. نام این اثر در سراسر پژوهش کنونی به‌صورت «سفر در دریای اریتره (سرخ)» آورده می‌شود.

اثر دیگر با نام ایستگاه‌های پارتی (چاپارخانه‌های پارتی)، از نویسنده‌ای است که بنابه شهرتش (ایزیدور خاراکسی) با شهر «خاراکس اسپاسینو»، در رأس خلیج فارس در ارتباط است و احتمالاً در پایان سده‌ی یکم میلادی می‌زیسته است. این اثر برجسته، دفتری مختصر اما بسیار ارزشمند است که ایستگاه‌ها و استراحتگاه‌های قرار گرفته بر سر یکی از شاهراه‌های

بازرگانی زمینی ایران در دوره‌ی اشکانی (شاید عصر پادشاهی مهرداد دوم) را نام می‌برد. این متن خط سیر سفر کاروانی از انطاکیه در سوریه تا باختر و مرزهای خاوری شاهنشاهی اشکانیان در هند را مشخص می‌کند. نویسنده‌ی متن افزون بر ایستگاه‌های موجود بر سر این راه، به مسافت میان هر ایستگاه نیز اشاره دارد. با بررسی این متن می‌توان در مورد مناسبات شاهنشاهی اشکانی با امیرنشین‌های تحت تابعیتش و همچنین نیروهای خارجی همسایه، به نکته‌هایی پی برد. شکل متن چاپخانه‌های پارتی به گونه‌ای است که انگار از اثری بزرگ‌تر تلخیص یا رونویسی شده است. آتنائس در کتاب خود (مربوط به سده‌ی سوم میلادی) پاراگرافی به نقل از ایزیدور خاراکسی می‌آورد، اما نام اثر وی را که از آن اقتباس کرده «سفر درون قلمرو پارت‌ها» ذکر می‌کند. با توجه به نقل قول‌های گوناگونی که پلینی در کتاب خود از ایزیدور آورده به نظر می‌رسد ایزیدور صاحب اثری عمومی درباره‌ی جغرافیا بوده که اصل آن کتاب برجای نمانده است. با توجه به شواهد درونی متن، برخی تاریخ‌نگارش آن را به احتمال همزمان با عصر امپراتور اگوستوس در روم و فرهاد چهارم (۳۷-۲ پ.م) در ایران می‌دانند. این باور نیز وجود دارد که نویسنده‌ی *ایستگاه‌های پارتی* از اگوستوس دستور گرفته تا چنین کتابی بنویسد، زیرا امپراتور می‌خواست اطلاعاتی درباره‌ی خاور برای سفر پسرش به ارمنستان و نبرد با اشکانیان گردآوری کند. اما اگر این گونه نباشد و ایزیدور این کتاب را، که مانند راهنمای سفر برای بازرگانان و دیگر مسافران است، به‌خواسته‌ی دربار اشکانی نوشته باشد، نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که در دربار اشکانی ضرورت و سودمندی چنین اثری احساس می‌شده و این مسئله می‌تواند در ارتباط با اهمیت بازرگانی در آن دوره باشد.

نویسنده‌ی دیگر آگاثانرخیدس، تاریخ‌نگار و جغرافی‌دان یونانی اهل «کیندوس» است که در سده‌ی دوم پیش از میلاد می‌زیست و گویا ریاست کتابخانه‌ی اسکندریه‌ی مصر را به عهده داشت. وی در حدود سال ۱۶۹ پ.م سفری دریایی بر کرانه‌های دریای سرخ صورت داد و مشاهداتش را در کتابی با عنوان *بر روی دریای اریتره* منتشر کرد. امروزه نوشته‌های او به‌طور مستقیم برجای نمانده اما بخش‌هایی از آن به‌واسطه‌ی آثار سه نویسنده‌ی دیگر رومی یعنی دیودور سیسیلی، استرابو و فویتیوس به‌دست ما رسیده است. بخش‌های برجای مانده از نوشته‌های آگاثانرخیدس آگاهی‌های ارزشمندی در زمینه‌ی برخی فرآورده‌های اقتصادی کرانه‌ها و جزایر دریای سرخ و شبه‌جزیره‌ی عربستان، همانند «خلیج عقبه‌ی» امروزی و قبایل ساکن در این نواحی و همچنین برخی راه‌های دریایی و زمینی در آن روزگار دارد. دیودور سیسیلی (دیودوروس سیکولوس) نیز از تاریخ‌نگاران سده‌ی نخست پیش از میلاد

(۲۱-۹۰ پ.م) است که در ایتالیا به دنیا آمد. او همعصر امپراتوران ژولیوس سزار و اگوستوس بود و سفرهایی به نواحی مختلف آسیا و اروپا کرد. اثر برجسته‌ی دیودور سیسیلی در زمینه‌ی تاریخ، مشهور به *کتابخانه‌های تاریخ*، در چهل مجلد بوده که امروزه بیست و یک جلد آن باقی مانده است. کتاب یازدهم تا بیستم آن راجع به تاریخ مصر، میان‌رودان، هند، ایران و شمال آفریقا است. با وجود سفرهای دیودور سیسیلی و مشاهداتش، وی در کتاب خود از آثار هکاتیوس، کتزیاس و هرودت هم بهره برده است.

دیگر نویسنده‌ی برجسته، گایوس پلینی (پلینیوس)، جغرافی‌دان و تاریخ‌نگار رومی (۲۴- ۷۹ م.) است که به دلیل داشتن برادرزاده‌ای همنام با او، به «پلینی کهن» یا بزرگ (از نظر سن) شهرت یافته است. او همزمان با پادشاهی بلاش یکم اشکانی به دنیا آمد. برجسته‌ترین اثر وی با نام *تاریخ طبیعی*، دانشنامه‌ای در علوم طبیعی در دوران باستان است. در این اثر بی نظیر می‌توان از گیاهان، جانوران، مواد کانی، سنگ‌های گرانبها و برخی فرآورده‌های کشاورزی و طبیعی، نظام معیشتی و تولیدی مناطق مختلف قلمرو اشکانیان و آنچه در بیرون از مرزهای ایران آن روزگار نزد مردم دیگر سرزمین‌ها شناخته شده بود، آگاهی یافت. اثر وی همچنین منبعی برای جغرافیای تاریخی و تقسیمات اداری است. پلینی به حجم تجارت روم با سرزمین‌های خاوری نیز اشاره دارد.

استرابو، جغرافی‌نویس یونانی سده‌ی نخست میلادی نیز در اثر خود با نام *جغرافیا*، آگاهی‌های ارزشمندی به‌ویژه در کتاب‌های یازده تا شانزده خود راجع به قلمرو اشکانیان، راه‌ها، شهرها و آبادی‌ها، مسافت‌ها، ویژگی‌های طبیعی، اقوام ساکن و فرآورده‌های هر ناحیه، همچنین شیوه‌ی زیست و خوردنی‌های آنان به‌دست می‌دهد. استرابو بخشی از مطالبش را از آپولودروس آرتمیتایی گرفته بود. همچنین بخشی از اثر او در واقع ادامه‌ی کار پولیبیوس (۱۲۰-۲۰۰ پ.م) است.

از دیگر جغرافی‌نگاران یونانی سده‌ی نخست میلادی، بطلمیوس است. او نیز کتابی با نام *جغرافیا* دارد. از ویژگی‌های این کتاب برخورداری از نقشه‌های نواحی گوناگون جهان از جمله آسیاست. بطلمیوس ضمن اشاره به آبادی‌ها و شهرهای مختلف قلمرو اشکانیان و ذکر مسافت‌های میان شهرها، به عوارض طبیعی و اقوام ساکن در هر منطقه نیز اشاره دارد. وی هر جا به بازار-شهر یا شهر بزرگی برخورد از آن نام برده است.

یوسف فلاویوس نیز که تاریخ‌نگار یهودی (۳۸-۱۰۰ م.) همعصر وسپازین و تیتوس، امپراتوران روم، بود، کتاب‌های چندی درباره‌ی تاریخ قوم یهود، نبردهای یهودیان با رومیان و همچنین تاریخ شهر اورشلیم نوشت. او که در زمینه‌ی علوم عبرانی و یونانی

تحصیل کرده بود، برخی کتاب‌های خود را به یونانی نگاشت. در میان منابعی که به زبان یونانی نوشته شده *تاریخ باستانی قوم یهود* نگرش مثبت‌تری نسبت به اشکانیان دارد. این کتاب آگاهی‌های ارزشمندی درباره‌ی یهودیان ایران در عصر اشکانی و چگونگی مناسبات حکومت با آن‌ها به‌ویژه در ناحیه‌ی «آدیابن» دارد. او همچنین اشاره‌هایی به فعالیت بازرگانان و پیشه‌وران یهودی ساکن در قلمرو اشکانی (بیشتر در ناحیه‌ی میان‌رودان و بابل) می‌کند.

پلوتارک، دیگر نویسنده و دانشمند رومی (۵۰-۱۲۰ م.) از اهالی «کرونه»، در دوره‌ی امپراتوری تراژان به دنیا آمد. مدتی در آتن و اسکندریه زیست. او پیرو فلسفه‌ی افلاطون بود و آثاری در زمینه‌ی اخلاق دارد. نوشته‌های وی شامل هشتاد و هشت رساله با عنوان عمومی *اخلاقیات* بود. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های وی شرح حال مردان برجسته‌ی تاریخ یونان و روم (*حیات مردان نامی*) است که از نگاهی اخلاقی زندگی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده و گاه با یکدیگر مقایسه کرده است. در این اثر، زندگی شخصیت‌هایی که هم‌عصر با اشکانیان می‌زیستند و گاه با آن‌ها جنگ‌ها و یا مناسباتی داشته‌اند می‌تواند حاوی مطالب ارزشمندی باشد. از این جمله می‌توان به کراسوس، آنتونی و پومپه‌ای اشاره کرد. این اثر همچنین برای بررسی مناسبات روم و ایران در عصر اشکانی، به‌ویژه در مسئله‌ی ارمنستان و وضعیت جغرافیایی نواحی باختری ایران دارای اهمیت بسیار است. اما در برخی گزارش‌های وی، همچون شکست آنتونی از اشکانیان، یکسونگری‌هایی نیز وجود دارد و آن ماجرا را فتحی رومی قلمداد می‌کند.

از دیگر تاریخ‌نگاران رومی که هم‌زمان با حکومت وسپازین، تیتوس و تراژان می‌زیست می‌توان به تاسیتوس (۵۰-۱۲۰ م.) اشاره کرد. وی که مدتی به کارهای حکومتی پرداخت، پس از کناره‌گیری از کارهای اجرایی به نگارش تاریخ روی آورد و آثاری از خود برجای گذاشت که آن‌ها را از شاهکارهای ادبی روم می‌دانند. هرچند اساس کار او بررسی رویدادهای تاریخ روم بود اما وی در اثرش با نام *سالنامه‌ها*، که در اصل شانزده کتاب را شامل می‌شد، آگاهی‌هایی در مورد مناسبات داخلی در ایران عصر اشکانی نیز به‌دست می‌دهد. از اشاره‌ی او به متن نامه‌های پادشاهان اشکانی چنین برداشت می‌شود که وی به بایگانی‌های سلطنتی دسترسی داشته است.

آریان نیکومدی نیز تاریخ‌نگار یونانی (۹۶-۱۸۰ م.)، اهل «نیکومدیا» در آسیای صغیر بود که هم‌عصر امپراتوران هادریان و مارک اورل می‌زیست. وی نیز که مدتی به کارهای دولتی پرداخت، نوشته‌های زیادی در فلسفه، تاریخ و جغرافیا داشته و همان‌گونه که پیش‌تر گفته

شد آثاری از وی همچون کتاب *پارتیکا* امروزه برجای نمانده است. اما یکی از برجسته‌ترین آثار تاریخی وی در زمینه‌ی شرح لشکرکشی اسکندر مقدونی به آسیاست. اهمیت این اثر از آن جهت است که از گزارش همراهان اسکندر همچون بطلیمیوس و آریستوبول استفاده کرده است. در این کتاب به برخی شهرهایی که اسکندر دستور ساخت آن‌ها را داد و بعدها در عصر سلوکی و اشکانی هنوز رونق داشتند، اشاره شده است. همچنین در آخرین کتاب از این اثر با نام *اندیکا*، سفرنامه‌ی نئارخوس، دریاسالار اسکندر در سفر دریایی‌اش از سند به دجله، شامل مشاهداتش از بنادر، لنگرگاه‌ها و جزایر دریای پارس آورده شده است. یوستیانوس یوستینیوس (ژوستن) نیز از مهم‌ترین مورخان رومی سده‌ی دوم میلادی است که به گردآوری آثار نویسندگان پیشین پرداخت. آن‌چه بر ارزش اثر وی می‌افزاید آوردن خلاصه‌ای از کتاب گمشده‌ی تروگ پومپه است که شاید فیلیپیک نام داشته. گویا اثر تروگ پومپه شامل چهل و چهار کتاب بوده که تنها مقدمه‌ی آن به واسطه‌ی ژوستن برجای مانده است. وی تاریخ سرزمین میان‌رودان، ماد و پارس را نگاشت و بخش بیشتر کتابش درباره‌ی سلوکیان و رومیان است. احتمال دارد کتاب پومپه منبع اصلی ژوستن برای نگارش اثرش بوده باشد. به هر روی اثر ژوستن تنها تاریخ پیوسته‌ی پادشاهی اشکانی است.

دیگر مورخ رومی صاحب کتاب *تاریخ روم* که بخش‌هایی از آن به مناسبات روم و پارت، به‌ویژه جنگ‌های این دو امپراتوری اختصاص دارد، دیون کاسیوس (حدود ۱۵۵-۲۳۵ م.) است. برخی گفته‌های وی آشفته و مبهم است و باید با دیگر منابع تطبیق داده شود.

سرزمین ارمنستان به دلیل همجواری با ایران و وجود خاندان حکومت‌گری از اشکانیان در آن‌جا، که «آرشاکونیان» نامیده می‌شد، ارتباط تنگاتنگی با قلمرو اشکانی داشت. از این رو منابع تاریخی نگاشته شده در این سرزمین از بسیاری جهات می‌توانند برای بررسی دوره‌ی اشکانی سودمند باشند. سنت تاریخ‌نگاری ارمنستان با گرایش به گونه‌ای تاریخ-نگاری عمومی از آگاتانگوس (آگاتانجلوس) آغاز می‌شود و تاریخ‌نگاران پسین به ترتیب راه او و سال‌های پیش روی تاریخ ارمنستان را نگاشته‌اند.

آگاتانگوس، یکی از نخستین کسانی بود که دست به نگارش تاریخ ارمنستان زد. او هرچند در اوایل سده‌ی پنجم میلادی می‌زیست اما داستان کتابش مربوط به سده‌ی سوم و چهارم میلادی است. در این کتاب که *تاریخ ارمنستان* نام دارد چگونگی ورود مسیحیت به ارمنستان در زمان پادشاهی فردی از خاندان اشکانیان ارمنستان در آن‌جا توصیف می‌شود. بسیاری اصطلاحات اشکانی موجود در دربار ارمنستان را می‌توان در این اثر یافت. همچنین نویسنده در مقدمه تمثیل‌هایی از مروارید و دریانوردان و خطراتی که برای آن‌ها وجود

دارد ذکر می کند. این اشارات آشنایی نویسنده و مردم آن روزگار با دریانوردی و ارزش کالاهایی چون مروارید را نشان می دهد و می تواند برای مبحث بازرگانی دریایی عصر اشکانی نکته ای با ارزش باشد. این کتاب همچنین مطالبی درباره ی اواخر دوره ی اشکانی، خاندان های اشرافی ارمنستان و روی کار آمدن اردشیر پاپکان در ایران دارد.

از دیگر تاریخ نگاران برجسته ی ارمنی می توان به موسی خورنی (موسس خورناتسی) اشاره کرد که در سال ۴۱۰ میلادی در روستای خوریا در ارمنستان زاده شد. او پس از فراگیری دانش در اسکندریه به درخواست یکی از امرای بزرگ ارمنستان به نگارش تاریخ این سرزمین پرداخت. او را پدر تاریخ ارمنستان نیز می نامند. اثر وی آگاهی های ارزشمندی راجع به ایران از عصر مادها تا ساسانیان دارد. در واقع او کوشید تا تاریخ ارمنستان را در تطبیق با تاریخ ایران و روم بنگارد. در کتاب دوم وی اشاره هایی به شکل گیری حکومت اشکانی و در ادامه مناسبات آن ها با روم شده است. در میان مطالب وی گرایش به سمت روم مشاهده می شود و در برخی جاها نگرش ضدایرانی دارد. افزون بر تاریخ ارمنستان، کتابی در زمینه ی جغرافیا نیز منسوب به موسی خورنی است. این اثر اطلاعات بسیار گران بهایی در مورد جغرافیای اواخر عهد ساسانی، تقسیم بندی ایالات ایران و همچنین محصولات برجسته و مهمی همچون مروارید ریشهر به دست می دهد.

دسته ای دیگر از منابع شامل متون مذهبی یهودیان است که به زبان عبری نگارش یافته اند. به دلیل حضور دیرین یهودیان در سرزمین ایران و همچنین ارتباط آن ها با دیگر یهودیان، به ویژه در سرزمین سوریه و فلسطین، منابع یهودی گه گاه دربردارنده ی مطالبی هستند که می تواند برای بررسی نقش یهودیان در ایران عصر اشکانی، به ویژه بازرگانان و پیشه وران یهودی و مناسبات آن ها با حکومت اشکانی دارای اهمیت باشد.

آن بخش از تورات (عهد قدیم) که به قوم یهود تعلق دارد دارای آگاهی هایی در خصوص تاریخ ایران باستان، به ویژه عصر هخامنشی است. این داده ها می تواند به عنوان پیشینه ای از مناسبات یهودیان و حکومت های باستانی ایران دارای ارزش باشد. همچنین در این اثر در لابه لای روایات دینی، اشاراتی نیز به بازرگانان و پیشه وران یهود و برخی فعالیت های آنان می شود. در عهد جدید هم اشاراتی به بازرگانان یهودی در عصر حضرت عیسی و همچنین روایتی از آمدن سه روحانی (مجوس) یا ستاره شناس ایرانی به اورشلیم و پیشکش های آنان برای عیسای نوزاد وجود دارد. پیشکش های این افراد به عیسی نشان از برجسته ترین کالاهای خاور و قلمرو اشکانیان دارد.

تلمود بابلی نیز از دیگر نوشته های مذهبی یهودیان بابل است که آگاهی های پراکنده ای

راجع به بازرگانان یهود در جامعه‌ی میان‌رودان دارد و اشاره‌هایی نیز به پیشینه‌ی تجارت ابریشم توسط برخی یهودیان می‌کند. یهودیان ساکن در فلسطین نیز تلمودی با نام تلمود فلسطین داشتند.

اما دسته‌ای از منابع که جزو منابع بومی به‌شمار می‌روند، آن‌هایی هستند که به خط و زبان پهلوی ساسانی (فارسی میانه) و اغلب در دوره‌ی ساسانی یا سده‌های نخستین اسلامی نگارش یافته‌اند. در این میان چند متن وجود دارد که اصل آن مربوط به دوره‌ی اشکانی است اما در عصر ساسانی نگارش یافته یا بازنویسی شده‌اند. همچنین متونی نیز وجود دارد که مربوط به شکل‌گیری شاهنشاهی ساسانی در دوره‌ی اردشیر پاپکان است و به این ترتیب زمان داستان از اواخر دوره‌ی اشکانی شروع می‌شود و می‌تواند تصویری از آن روزگار ارائه کند. از ویژگی‌های عمومی متون پهلوی این است که کمابیش اغلب این متن‌ها برخلاف سایر منابعی که تا کنون به آن‌ها اشاره کردیم نویسنده‌ی مشخصی ندارند. به‌نظر می‌رسد اغلب آن‌ها توسط موبدان زرتشتی نگارش یافته باشند.

برخی از این متون همچون درخت‌آسوریک پیشینه‌ای اشکانی دارند. این متن پهلوی که به منظومه بز و نخل نیز مشهور است، در واقع مناظره‌ای شعرگونه میان یک درخت خرما و یک بز است که هریک فواید و ویژگی‌های سودمندشان برای زندگی آدمیان را بر می‌شمرد. اصل داستان را مربوط به دوره‌ی اشکانی می‌دانند که بازنویسی یا نگارش آن در دوره‌ی ساسانی صورت گرفته است. زیرا در عصر اشکانی بسیاری سرودها به‌صورت شفاهی وجود داشت. برخی بز و نخل را نماد زندگی کوچ‌نشینی و یکجانشینی (کشاورزی) می‌دانند. دو گروه با دو شیوه‌ی زیست که از کهن‌ترین روزگاران در ایران همزیستی و تقابل داشتند. اشاره‌ی متن به بسیاری خوردنی‌ها و تولیدات گوناگونی که از حیوانی چون بز و درختی چون نخل به‌دست می‌آید، می‌تواند برای بررسی بخشی از اقتصاد شهری آن روزگار و فرآورده‌هایی که دست‌کم در بازارهای محلی ایران عصر اشکانی وجود داشته و دادوستد می‌شده بسیار ارزشمند باشد. واژه‌ها و اصطلاحات متن که در زمینه‌های گوناگون به کار رفته نیز بسیار جالب توجه است.

از دیگر متون پهلوی که اصل آن را به‌دلیل وجود واژه‌ها و ویژگی‌هایی از زبان پهلوی اشکانی (پهلوانیک)، به دوره‌ی اشکانی نسبت می‌دهند یادگار زیربان است. این متن حماسی که آن را کهن‌ترین نمایشنامه یا تعزیه‌ی ایرانی نیز می‌دانند، به نبرد گشتاسپ، پادشاه ایران با ارجاسپ، پادشاه خیونان می‌پردازد. این داستان توسط دقیقی و فردوسی توسی به نظم درآمده است. هرچند متن حماسی است اما اشاره به برخی دست‌سازها و رزم‌افزارهای آن

روزگار و حیواناتی که در نبرد به خدمت گرفته می‌شدند، یا اشاره به کاروان و همچنین مروارید و جامه‌ی زربفت می‌تواند برای موضوع پژوهش حاضر دارای اهمیت باشد.

چنان که گفته شد *کارنامه اردشیر بابکان* از جمله متون پهلوی دوره‌ی ساسانی است که داستان آن در اواخر دوره‌ی اشکانی آغاز می‌شود. بالیدن اردشیر در پارس عهد اشکانی و قدرت‌گیری او و سرانجام خیزش و نبرد با برخی شاهک‌های اواخر دوره‌ی اشکانی می‌تواند بسیار ارزشمند باشد. در این متن به برخی شهرها و آبادی‌های مهم ایران عصر اشکانی و همچنین برخی خوردنی‌ها و فرآورده‌های محلی و حضور بازرگانان اشاره شده است. افزون بر این، نبرد اردشیر با هفتان بوخت که فرمانروای شهری مشهور به دلیل صنعت ریسندگی و پارچه‌بافی در کرانه‌ی خلیج پارس بوده و همچنین اشاره به حضور فرمانروایان اشکانی در کرانه‌های جنوبی دریای پارس از جمله آگاهی‌های ارزشمندی است که متن *کارنامه‌ی اردشیر* به ما می‌دهد.

نامه‌ی تنسر از دیگر منابع مربوط به شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان است. متن *نامه‌ی تنسر* (توسر)، در واقع پاسخ روحانی بلندمرتبه‌ی (هیربدان هیرید) دربار اردشیر بابکان به *نامه‌ی* یکی از فرمانروایان محلی شمال ایران (با نام گشنسپ) است که در اواخر دوره‌ی اشکانی بر تبرستان و گیلان و دیلمان حکومت می‌کرده. تنسر در این نامه می‌کوشد تا سیاست‌های نوینی که بنیان‌گذار دودمان نوپای ساسانی در ایران برقرار کرده را برای گشنسپ توضیح دهد. این متن پهلوی به شرایط موجود در ایران اوایل عصر ساسانی و دگرگونی‌هایی که جامعه‌ی ایران عصر اشکانی با شکل‌گیری پادشاهی تازه با آن روبه‌رو شده، اشاره دارد، که از این دید می‌تواند منبعی بی‌مانند باشد. برخی عصر خسرو انوشیروان را زمان راستین نگارش متن می‌دانند. اما این متن امروزه نه از متن پهلوی بلکه به واسطه‌ی ترجمه‌ی عربی که بعدها برگردان فارسی آن در کتاب *تاریخ طبرستان*، نوشته‌ی ابن اسفندیار آمده، به دست ما رسیده است.

همچنین متن پهلوی *شهرستان‌های ایران‌شهر* که از اندک متون جغرافیایی به زبان پهلوی است، به صورتی فشرده از شهرهای اصلی ایران در دوره‌ی ساسانی و بنیان‌گذاران آن‌ها نام می‌برد. متن حاضر از این جهت که برخی از این شهرها پیش از عصر ساسانی وجود داشته‌اند و بنیان‌گذاران آن‌ها را مشخص می‌کند ارزشمند است. متن همچنین تقسیم‌بندی جغرافیایی ایران آن روزگار را ترسیم می‌کند.

بندش نیز از جمله متون پهلوی مربوط به سده‌های نخستین اسلامی است که نگارش آن را به موبدی زرتشتی با نام فرتبع (سده‌ی سوم هجری) نسبت می‌دهند. بندش متنی است

که حالت دانشنامه‌ای دارد. درون‌مایه‌ی اصلی کتاب، آفرینش‌های آغازین در دین زرتشتی و داستان‌ها و باورهای اسطوره‌ای در پیوند با آن است. آگاهی‌هایی که این متن درباره‌ی دسته‌بندی‌ها و گونه‌های مختلف گیاهان، جانوران، مردمان، سرزمین‌ها و همچنین نواحی مختلف ایران‌شهر و دودمان‌های اسطوره‌ای و تاریخی ایران ارائه می‌دهد بسیار گرانبهاست.

«متون سریانی» دسته‌ی دیگر منابع به‌شمار می‌روند. رخدادنگاری‌های سریانی، سنتی تاریخ‌نگارانه نزد مسیحیان سوریه و میان‌رودان بود. این متن‌ها به‌طور معمول درباره‌ی مراکز مهم مسیحی‌نشین در نواحی مذکور نگاشته می‌شد و تنها به ذکر رویدادهای مهم هر شهر می‌پرداخت. کمابیش سبک نگارش رخدادنامه‌ها به‌صورت سال‌شمار و اشاره به برجسته‌ترین رویدادهای هر سال از زمان بنیاد نهادن شهر تا زمان نگارش متن است. افزون بر شهرها، برخی متون سریانی نیز به کردارهای قدیسان مذهبی و شهدای مسیحی می‌پردازند. هرچند ممکن است برخی از متون سریانی در دوره‌ی ساسانی و یا پس از آن نگارش یافته باشند اما گاه به پیشینه‌ی شهرها و رخدادهای برجسته‌ی آن‌ها از زمان پیدایش شهر به بعد اشاره‌هایی دارند. از آن‌جا که بسیاری از کانون‌های مسیحیان و نویسندگان متون سریانی در شهرها و آبادی‌های نواحی باختری قلمرو اشکانیان، همچون «آدیابن» (اربیل)، «نی‌سیبیس» (نصیبین) و «الرها» (ادسا) در میان‌رودان شمالی قرارداشت، رخدادنامه‌های برجای مانده راجع به این شهرها می‌تواند تا حدودی به روشن کردن وضعیت شهرهای باختری قلمرو اشکانیان و چگونگی مناسبات شاهنشاهی اشکانی با این شهرها کمک کند. اهمیت این موضوع هنگامی بیشتر می‌شود که می‌دانیم بسیاری از این شهرها جزو مراکز تجاری و یا شهرهای کاروانی آن روزگار به‌شمار می‌رفته‌اند. از جمله رخدادنامه‌های موجود به زبان سریانی می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: *رخدادنامه‌ی ادسا*، *رخدادنامه‌ی آربلا*، *رخدادنامه‌ی کرخ بیت سلوک* (کرکوک)، *رخدادنامه‌ی خوزستان*.

از میان منابعی که به زبان فارسی نگارش یافته‌اند نیز برخی آثار در حوزه‌ی تاریخ، جغرافیا و حتی ادبیات (دیوان‌های شعر) می‌تواند برای بررسی موضوع حاضر به کار آید. این منابع هرچند با فاصله نسبت به دوره‌ی مورد نظر نگارش یافته‌اند اما گاه بازنویسی‌ها و یا بازسرایی‌هایی از متون کهن‌تر هستند. موضوعی که در مورد شاهنامه‌ی فردوسی و منظومه‌ی ویس و رامین صدق می‌کند.

فردوسی توسی، شاعر و حکیم ایرانی سده‌ی چهارم هجری بود که در خراسان می‌زیست و بازمانده‌ای از نسل دهگانان کهن ایرانی در خاور به‌شمار می‌رفت. گرانسنگ‌ترین کار وی به نظم در *آوردن خدای نامک* عصر ساسانی شامل داستان‌های مربوط به پادشاهان

باستانی ایران است. هرچند خود فردوسی براساس متن برجای مانده در دوره‌ی ساسانی بیان می‌کند که از اشکانیان بسیار اندک شنیده است، اما در واقع بخش پهلوانی اثر وی بیشتر بازتاب داستان‌ها و حماسه‌های عصر اشکانی است که بنابه سنت شفاهی خاور ایران میراث خنیاگران (گوسان‌ها) و خوانندگان دوره گرد عصر پارتی به شمار می‌رفت. فردوسی به نظر می‌رسد افزون بر شنیده‌ها از برخی منابع پهلوی نیز بهره برده و یا خود و یا همسرش با این زبان و خط آشنایی داشته‌اند، زیرا گاه همسانی‌های بسیار شگفتی میان سروده‌های وی و برخی متون پهلوی همچون کارنامه اردشیر پاپکان و یا یادگار زریران مشاهده می‌شود. به هر روی اشاره‌های فردوسی به مناسبات بازرگانی میان ایران و تور می‌تواند بازتابی از وجود روابط تجاری عصر اشکانی با آسیای مرکزی و حتی چین باشد. فردوسی به بسیاری از کالاهای برجسته در ایران و سرزمین‌های خاوری مرزهای ایران که ارزش صادراتی داشتند اشاره دارد. همچنین بسیاری از صنایع و دست‌سازهای ایران در آن عصر را ذکر می‌کند. در برخی داستان‌ها همچون داستان بیژن و منیژه که ریشه‌ی آن را پارتی می‌دانند همین آگاهی‌ها وجود دارد.

منظومه‌ی غنایی ویس و رامین، اثر برجسته‌ی فخرالدین اسعد گرگانی، شاعر ایرانی سده‌ی هشتم هجری را نیز داستانی با خاستگاه پارتی می‌دانند. هرچند نمی‌توان این منظومه را به یک محیط و بافت تاریخی دقیق نسبت داد اما بسیاری از جزئیات حکایت از آن دارد که پیشینه‌ی این داستان به دوره‌ی اشکانی می‌رسد. این چکامه‌ی پارتی که گمان می‌رود در سده‌ی یکم میلادی سروده شده باشد، درباره‌ی رامین، از اعضای خاندان گودرز و عشق او به همسر برادرش ویس است. در این اثر نیز به برخی فرآورده‌ها و کالاهای تجملی دربار و کالاهایی که گاه از دیگر سرزمین‌ها آمده است، اشاره می‌شود.

پس از شکل‌گیری خلافت اسلامی برخی تاریخ‌نگاران و جغرافی‌نویسان مسلمان دست به نگارش آثار خود به زبان عربی زدند. در این میان ایرانیان مسلمانی نیز بودند که آثاری از خود برجای گذاشتند اما چون این متون به زبان عربی نگاشته شده آثار آن‌ها در این دسته از منابع قرار می‌گیرند. با توجه به محدوده‌ی زمانی مورد نظر ما، این دسته از منابع بیشتر برای گزارشی که از افول اشکانیان و برآمدن ساسانیان می‌دهند دارای اهمیت هستند. برخی متون جغرافیایی سده‌های نخستین اسلامی نیز می‌توانند درباره‌ی مسایلی همچون مواد کانی و طبیعی، پیشینه‌ی برخی فرآورده‌ها و تولیدات برجسته در مناطق مختلف و همچنین راه‌های اصلی فلات ایران آگاهی‌هایی به ما بدهند.

محمدبن جریر طبری، تاریخ‌نگار ایرانی و مسلمان سده‌ی سوم هجری، اثری مفصل در

تاریخ عمومی با نام *تاریخ الرسل و الملوك* دارد. جلدهای نخستین این اثر به تاریخ باستانی ایران از دوره‌های اساطیری تا افول ساسانیان اختصاص دارد. به نظر می‌رسد یکی از منابع اصلی طبری برای نگاشتن تاریخ سرزمین ایران در عصر باستان، *خدای نامک* دوره‌ی ساسانی بوده است. مهم‌ترین مطالب کتاب طبری در ارتباط با موضوع حاضر گزارش‌هایی است که به قدرت‌گیری اردشیر پاپکان در پارس و نبردهای وی در سراسر ایران‌شهر برای تشکیل شاهنشاهی ساسانی می‌پردازد. اشاره‌ی طبری به نبردهای اردشیر با فرمانروایان محلی و شاهک‌های دست‌نشانده و یا نیمه‌مستقل اواخر عصر اشکانیان در مناطق مختلف از جمله در کرانه‌های جنوبی دریای پارس می‌تواند جالب توجه باشد.

همچنین می‌توان به ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، از تاریخ‌نگاران سده‌ی سوم هجری اشاره کرد. وی که مسافرت‌های گوناگونی را تجربه کرده و نوشته‌هایی در تاریخ و جغرافیا دارد، به‌عنوان یکی از پرکارترین تاریخ‌نگاران مسلمان شناخته می‌شود. کتاب *اخبارالزمان* در سی جلد و خلاصه‌ی آن با نام *کتاب الاوسط* از جمله آثار از بین رفته‌ی وی به‌شمار می‌روند. *التنبيه و الاشراف*، در زمینه‌ی جغرافیا و *المروج الذهب و المعادن الجواهر* در زمینه‌ی تاریخ جهان از مهم‌ترین نوشته‌های مسعودی هستند. آگاهی‌های او در خصوص تاریخ اشکانیان و ساسانیان شاید از متن *خدای نامک* ابن مقفع گرفته شده باشد. همچنین اطلاعات جغرافیایی معتبری که ارایه می‌دهد او را به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین جغرافی‌دانان سده‌ی چهارم هجری مطرح می‌کند. نوشته‌های او را مکمل تاریخ طبری می‌دانند. در آثار وی نیز رویدادهای مربوط به قدرت‌گیری اردشیر که تصویری از اواخر شاهنشاهی اشکانی ترسیم می‌کند برای موضوع حاضر ارزشمند است. استفاده‌ی وی از بسیاری متون و منابع تاریخ ایران باستان بر ارزش کارش افزوده است.

ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، دانشمند برجسته‌ی مسلمان سده‌ی سوم هجری نیز کتابی با عنوان *اخبارالطوال* در تاریخ عمومی جهان دارد که شامل شرح رویدادهای تاریخ جهان از حضرت آدم تا دوره‌ی اسلامی است. بخشی از کتاب وی به تاریخ ایران باستان از دوره‌ی اساطیری پیشدادی تا پایان کار ساسانیان اختصاص دارد. او در نوشتن این بخش، از منابع فارسی و پهلوی سود برده است. *سندبادنامه* و *کلیله و دمنه* دو کتابی هستند که به نظر می‌رسد جزو منابع دینوری برای نوشتن بخشی از تاریخ ایران باستان بوده‌اند. او در بسیاری جاها شرحی منظم و منسجم از رخدادها ارایه می‌دهد.

پژوهش‌های جدید

برخلاف تاریخ امپراتوری روم، تا کنون پژوهش مستقلی درباره‌ی بازرگانی عصر

اشکانی صورت نگرفته است. مهم ترین گروه از منابع که می تواند پژوهشگران را در این راه یاری رساند، گزارش های منتشر شده از کاوش های باستان شناسی در محوطه های مربوط به عصر اشکانی است که بسیار سودمندند. یکی از مهم ترین یافته های باستان شناسی برای بررسی جنبه هایی از تاریخ اقتصادی عصر اشکانی سفال نوشته های نسای کهن است که دیاکونف به همراه لیوشیتس توانستند نوشته های آن ها را بخوانند. این دو در سال های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ میلادی نتایج پژوهش های خود را در دو جلد با عنوان *اسناد اقتصادی اشکانیان از نسا* منتشر کردند. همچنین گروه باستان شناسی «یوتا» که به سرپرستی ماسون و پوگاچنکوا پژوهشی بر ریتون های اشکانی نسا صورت دادند، از منابع ارزشمند به شمار می روند. شاید تازه ترین پژوهش های باستان شناسی را اینورنیتی ایتالیایی انجام داده باشد (۱۹۹۸ م.).

روستوفتف از دیگر باستان شناسان روسی است که گزارش فعالیت های خود در شهرهای باختری قلمرو اشکانیان، مانند دورا اورپوس و پالمیرا را منتشر کرد. وی در یکی از برجسته ترین آثارش با نام *شهرهای کاروانی* بررسی دقیقی در مورد جنبه های مختلف شهرهای مذکور که بر سر شاهراه تجاری خاور به باختر قرار داشتند، انجام داده است. همچنین وی گزارش های ۹ فصل کاوش خود در دورا اورپوس را منتشر ساخت. روستوفتف افزون بر کاوش های باستان شناسی، تالیفات برجسته ای نیز در خصوص تاریخ اجتماعی و اقتصادی دنیای هلنیسم و امپراتوری روم دارد که هر یک در سه جلد منتشر شده اند.

«پروژه ی بین المللی کاوش در شهر باستانی مرو» از دیگر فعالیت های باستان شناسی است. تا کنون گروه های باستان شناسی در ترکمنستان به سرپرستی تیم ویلیامز و کاکامراد کوربانساخاتوف گزارش های ۹ فصل کاوش خود را منتشر کرده اند (۱۹۹۲-۲۰۰۲ م.). کاوش های باستان شناسی در درون مرزهای ایران امروزی نیز صورت گرفته که از آن جمله می توان به کاوش های بندر بوشهر و زمین های پس کرانه ای آن جا اشاره کرد. گزارش فصل نخست فعالیت های گروه کاوش در سال ۲۰۰۴ منتشر شده است. همچنین گزارش کاوش های صورت گرفته در «تل ملیان»، در فارس نیز توسط آقای آلدن در سال ۱۹۷۸ منتشر شده است. در شهر کومس در سمنان نیز کاوش هایی به سرپرستی دوید استروناخ و جان هانسن صورت گرفت که گزارش های آن در سال ۱۹۷۰ م. منتشر گردید. همچنین استروناخ به همراه راف گزارش های خود از کاوش در تپه ی «نوشی جان» را در سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ م. منتشر کردند. نتایج بررسی های صورت گرفته توسط ویتکامب در شهر «استخر» نیز در سال ۱۹۷۶ م. منتشر گردید. همچنین گزارش منتشر شده از کاوش های دیوید وایت هاوز

(۱۹۶۸-۱۹۶۹م.) در بندر سیراف و بوشهر، و پژوهش‌های صورت گرفته توسط دانیل د. پاتس (۱۹۹۲م.) در کرانه‌های عربی خلیج فارس می‌تواند برای بررسی حضور اشکانیان در کرانه‌های دریای پارس و بازرگانی دریایی این عصر بسیار سودمند باشد. ادوارد کیل از دانشگاه تورنتو کانادا نیز توانست به معرفی دژ اشکانی - ساسانی موسوم به «قلعه‌ی یزدگرد» در نزدیکی سرپل ذهاب پردازد. پژوهش‌های باستان‌شناسی دیگری در خصوص سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای به‌ویژه در ناحیه‌ی الیمایی توسط لوئی واندنبرگ (۱۹۶۳م.) و کلاوس شیمان (۱۹۸۵م.) صورت گرفته است.

اما باستان‌شناسان جوان ایرانی نیز در برخی محوطه‌های مربوط به عصر اشکانی بررسی‌ها و کاوش‌هایی صورت داده‌اند که از آن جمله می‌توان به بررسی استقرارهای اشکانی توسط عباس نوروزی و سیامک سرلک در «نخل ابراهیمی» میناب، احمدعلی اسدی در «بستک»، عسکری چاوردی در «لامرد»، محمدرضا خلعتبری در «رستم‌آباد» گیلان، یوسف مرادی در «سراب مورد» گیلان غرب، مهناز شریفی در «کشت‌تپه‌ی» سمنان، معصومه داوودیان در «باغ تپه‌ی» دامغان، زنده‌یاد مسعود آذرنوش در قلعه‌ی یزدگرد سرپل ذهاب، رسول موسوی حاجی و رضا مهرآفرین در دشت سیستان، حسن رضوانی در «دژ کلان» ملایر، حمید عمرانی در دیوار گرگان، مهدی رهبر در شهر «دستوا»ی شوشتر، آرمان شیشه‌گر در روستای «چوب‌تراش» لرستان، علی‌رضا خسروزاده در جزیره‌ی قشم اشاره کرد.

همچنین در مورد یافته‌های باستان‌شناسی بیرون از مرزهای قلمرو اشکانی، به‌ویژه در ناحیه‌ی آسیای مرکزی، مجموعه مقالات منتشر شده از سوی سازمان یونسکو با عنوان تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، در دو جلد (۱۹۹۲، ۱۹۹۴م.) می‌تواند بر آگاهی‌های ما نسبت به مناسبات بازرگانی موجود میان شاهنشاهی اشکانی و اقوام و تمدن‌های ساکن در آسیای مرکزی بیفزاید.

در خصوص سکه‌های اشکانی و ضرابخانه‌های این عصر و همچنین سکه‌های ضرب شده در برخی شهرها و نواحی قلمرو اشکانی همچون پارس و الیمایی یا خراسن و سلوکیه کنار دجله، پژوهش‌های مفصلی توسط ملک‌زاده بیانی (۱۳۸۱ش.)، دیوید سلوود (۱۹۷۵، ۱۹۸۰م.)، جان هانسن (۱۹۹۰م.)، مک دول (۱۹۳۵م.)، هیل (۱۹۳۸م.)، گاردنر (۱۸۷۷م.)، آلبریش (۲۰۰۱م.) و دیگران صورت گرفته است.

یوزف وُلسکی (۱۹۹۳م.) از دیگر دانشمندان پرکاری است که تا کنون نوشته‌های گوناگونی به‌ویژه درباره‌ی اوایل دوره‌ی اشکانی منتشر کرده است. وی در آثار خود می‌کوشد تا به دور از نگاه یک‌سونگرانه‌ی بیشتر دانشمندان غربی که دوره‌ی اشکانی را تنها از